

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۱۴

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۱۰

سال هفدهم، شماره ۶۷، بهار ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی

[DOR: 10.1001.1.2008.0514.1400.17.67.108](https://doi.org/10.1001.1.2008.0514.1400.17.67.108)

## معرفت شناسی روح براساس منارات السائرین و آثار شاخص عرفانی

نوشین اخوان هزاوه<sup>۱</sup>

محمود طاووسی<sup>۲</sup>

علی عین علیلو<sup>۳</sup>

### چکیده

منارات السائرین نوشته نجم الدین ابوبکر عبدالله بن محمد شاهاور بن انوشروان رازی، معروف به نجم‌دایه است. این کتاب در قرن هفتم در یک فاتحه و ده باب و یک خاتمه که هر یک از باب‌ها دارای چند فصل است به زبان تازی نوشته شده است. نویسنده شبلی دوکاهی در قرن نهم آن را به زبان فارسی برگردانده است که تاکنون تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است. نجم‌دایه در نوشتن اثر عرفانی خود، به قرآن و احادیث پیامبر و کتب عرفانی پیشین نظر داشته است. یکی از مطالب بسیار مهم این کتاب معرفت روح و مقامات آنست که حضرت شیخ، پخته و سنجیده و بسیار علمی تعریفی نکو از ماهیت روح فرموده که آمیخته‌ای است از عرفان و آیات و روایات شریعت.

این جستار به شیوه کتابخانه‌ای به بررسی معرفت روح در ادیان الهی و برخی کتب عرفانی قبل از نجم‌دایه پرداخته است و سپس نشان می‌دهد که نویسنده چگونه از آیات قرآن تاثیر پذیرفته است و از طرفی مشابهت‌های بسیاری در عقاید ادیان، مربوط به روح وجود دارد که این جستار حاکی از ارتباط ادیان با یکدیگرست و می‌توان به یکی بودن منبع تعالیم ادیان که همانا وحی پروردگارست پی برد.

### کلید واژه‌ها:

نجم رازی، منارات السائرین، روح، متون عرفانی.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

<sup>۲</sup> - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. نویسنده مسئول:

tavoosimahmoud@yahoo.com

<sup>۳</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

## پیشگفتار

موضوع روح و شناخت آن از موضوعات مهمی است که دامنه گسترده آن اسطوره، دین، فلسفه، عرفان، ادبیات را در بر می گیرد. پیشینه پرداختن به روح در فرهنگ‌های گوناگون به درازنای تاریخ بشر می رسد و سبب پرسش هایی در ذهن انسان شده است.

مسأله روح با طرح سؤالی از سوی یهودیان مطرح شده است که آیه روح «وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء / ۸۵) به آنست. این امر نشان می دهد که قبل از اسلام نیز در بین مردم خصوصاً یهودیان که اهل کتاب بودند اعتقاد به روح وجود داشته است. به همین سبب مسأله روح مورد بحث علماء و عارفان قرار گرفته است.

نجم دایه یکی از انگیزه‌های خود را ناگفته‌های روایی و اسراری که بر زبان مشایخ بزرگوار رفته می‌داند. و یکی از همین ناگفته‌های اسراری معرفت روح است از این رو در تفسیر و تعریف روح که موضوع عرفان اوست نخست از آیات و روایات شریعت مدد می‌جوید سپس به تحلیل و تفسیر عرفانی آیات و روایات می‌پردازد. حضرت شیخ اعتقاد به خلقت روح و باور به جاودانگی روح دارد. و مبدأ ارواح انسانی را روح پاک محمدی به شمار می‌آورد و با استناد به حدیث «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ رُوحِي» (مجلسی ۱۳۸۶: ۳۰۹) به نقل از پیامبر(ص) می‌فرماید: خدای تعالی دو هزار سال پیش از آفریدن اجساد ارواح را آفرید و نخستین چیزی که خدا آفرید روح من بود و این اعتقاد که هدف از آفرینش انسان خلقت پیامبر(ص) و روح محمدی است از اندیشه‌های راسخ دینی و عرفانی خود می‌داند.

اساس اعتقاد به جاودانه بودن حیات پس از مرگ ابتدا ایمان به وجود و خلقت روح و سپس باور به جاودانگی روح است که در همه ادیان آسمانی به آن اشاره شده و مورد تأیید است. هر چند خاستگاه این اعتقادات یکی است. حتی عقاید علمای فارس زبان و فلاسفه و علمای یونان از قبیل سقراط<sup>۱</sup> و افلاطون معتقد بوده‌اند که روح انسانی قبل از جسم آنان موجود بوده و از معارف ازلی نزد خدا برخوردار بوده است و بعد از انتقال به این بدن جسمی، جمیع معلومات خود را از دست داده و نیاز به تفکر و استدلال و تعلیم و تعلم دارند این تعلم برای آنان همان تذکر و یادآوری است و موت نیز همان رجوع به حالت اولیه زندگی قبل از وجود در حالت جسمی است و عقیده به

<sup>۱</sup>. Soqrāt.

وجود روح عقیده نوظهوری نیست و سابقه طولانی عقیدتی دارد. (فریدو جدی ۱۹۷۱: ۳۲۴)

#### ضرورت پژوهش

این پژوهش به دلایلی ضرورت دارد:

الف) این پژوهش باعث تبیین و توجه بیش تر درباره معرفت روح در ادیان و کتب عرفانی دیگر می شود.

ب) منارات السائرين از کتاب های مهم عرفانی است که نگاه متفاوت نجم رازی، عارف برجسته زبان و ادب فارسی، درباره مقام و معرفت روح در این اثر بیش تر از سایر آثار عرفانی دیده می شود.

#### پرسش های پژوهش

در این پژوهش این سوالات مورد توجه قرار می گیرد:

الف) عقیده نجم رازی در کتاب منارات السائرين راجع به معرفت روح چیست؟ چه استنباطی از قرآن کریم داشته است؟

ب) تفاوت نگاه نجم دایه در خصوص روح نسبت به سایر عرفا و ادیان چگونه است؟

#### فرضیه پژوهش

نویسنده منارات السائرين بر خلاف ادیان دیگر روح را تنها فرود آمده از عالم پروردگار و متعلق به آن عالم می داند و به خلقت جان پیش از خلقت اشاره دارد.

#### روش پژوهش

روش پژوهش در این جستار توصیفی-تحلیلی است و بر مبنای روش اسنادی یعنی با جست و جو در منابع گوناگون پژوهشی بر پایه تحلیل محتوا انجام گرفته است.

#### پیشینه پژوهش

از جمله مباحث مهم اسلامی، معرفت روح است که در قرآن ۲۱ بار واژه روح ذکر شده است. روایات متعددی همراه تفسیر درباره آیات ناظر بر مفهوم روح و ویژگی ها و آثار مربوط به آن وجود دارد. از جمله روایات و تفسیر مهم در خصوص آیه ۸۵ سوره اسراء، آیه ۱۵ سوره غافر، آیه ۴ سوره معراج، آیه ۸۷ سوره مریم و آیه ۵۲ سوره شعراء، که از روح در مجموع همان عالم امر و ملکوت خبر می دهند. و برخی مفسران هم به بررسی اجمالی مربوط به این موضوع پرداخته اند. موضوع مقاله حاضر تا به حال مورد تحقیق قرار نگرفته است. پژوهش هایی که با موضوع روح در دسترس است عموماً به بررسی روح از دیدگاه قرآن پرداخته اند. یا کتاب منارات السائرين را به عنوان یک اثر عرفانی جداگانه تحلیل کرده اند که برخی از این پژوهش ها به عنوان پیشینه به اختصار معرفی می شود:

الف) حقیقت روح از دیدگاه قرآن نوشته عبدالرحمان افضلیان، این کتاب به معانی لغوی روح و شرح در منزلت روح و تفاسیر قرآن و ارتباط روح با بدن اشاراتی داشته است. اما به منارات السائرین و دیدگاه عرفا در این حوزه نپرداخته است.

ب) مقاله تحلیل مبدأ و مقصد روح در آیین زرتشت از استاد پورنامداریان، در این مقاله شباهت‌های ادیان راجع به روح پس از مرگ و رستاخیز بیان شده است.

ج) محمدرضا موحدی در مقاله‌شان با نام بهره‌هایی از منارات السائرین به تشریح کتاب منارات السائرین می‌پردازد. در این مقاله در یک مورد اشاره به معرفت روح می‌شود تا نشان دهد که کتاب بحرالحقایق و المعانی آخرین کتاب نجم دایه است که نجم رازی بحث روح را در این کتاب از منارات السائرین اخذ کرده است. آن‌جا که می‌گوید: «دایه در کتاب بعدی و آخرین تالیف خود، یعنی بحرالحقایق و المعانی، به تصریح از کتاب منارات خود یاد می‌کند و در چندین موضع از مطالب آن بهره می‌جوید. از آن جمله در تاویل آیه ۲۳ سورة زمر (الله نزل أحسن الحدیث) و بحثی مختصر درباره بازگشت روح به سوی پروردگار به میان می‌آورد.» (۱۳۸۰: ۲۰) اما موحدی به دیدگاه متفاوت نجم رازی نسبت به سایر عرفا، راجع به روح و شرح آن اشارتی نداشته است.

د) رسول رسولی‌پور و محمدرضا لواسانی در مقاله نسبت ایمان و عقل از منظر نجم الدین رازی به سنجش میزان عقلانیت از دیدگاه مولف پرداخته است در یک قسمت از جستار خود اشاره کرده اند که اول ما خلق الله العقل، عقل همان روح پاک محمدی است «روح نبی مکرم اولین مخلوق با اعتبارات ملک، عقل و نور و قلم است.» (۱۳۹۷: ۴۰۲) نگارندگان، نگرش نجم دایه در خصوص روح را بیان کرده اند اما به مقامات روح در منارات السائرین به صورت گسترده و تطبیق آن با قرآن و ادیان اشاراتی نداشته‌اند.

منارات السائرین کتابی است که در میان متون عرفانی جایگاه ارزشمندی داشته است اما چون این کتاب به زبان عربی نگاشته شده است کمی از دسترس عارفان فارس زبان دور مانده است و برخی از علما به آن استناد نکرده‌اند و نظر جامعی از نجم الدین رازی راجع به روح بیان نشده است. این پژوهش ابتدا به وجود معانی روح در آیین زرتشت و روح در آیین یهود و روح در قرآن و سپس به بررسی سه اثر مهم عرفانی که نجم دایه به آن‌ها نظر داشته است می‌پردازد و وجه اشتراک معرفت روح با ادیان که همانا وحی پروردگار است ذکر می‌شود.

## روح در آیین زرتشتی

در گات<sup>۱</sup>ها که کهن‌ترین بخش اوستا است از تقابل میان روح و تن بارها سخن رفته است و کلماتی چند نیز در تعیین آن‌چه روح می‌نامیم به کار رفته است. کلماتی هم‌چون ویانا (Vyāna = دم‌جان)، اوشتان (Uštāna = دم‌حیاتی)، و ائمن (anman = روح)، و منّه (manah = اندیشه) که به دلیل قرابت زبان‌های پهلوی و اوستایی با زبان سانسکریت نزد هندیان نیز مشابهاتی در لفظ و معنا دارد. (ویدن‌گرن<sup>۳</sup> ۱۳۷۷: ۱۲۴)

اما پنج نیروی مینوی که در زندگی انسان نقش موثر ایفا می‌کنند عبارتند از:

- ۱- اهو (Ahu) که نیروی جنبش، حرکت و حرارت‌گریزی است و آن را به جان ترجمه کرده‌اند. این جان با رشد جسم اعتلای بیش‌تری پیدا می‌کند با مرگ آدمی فانی می‌شود.
- ۲- دئنا (Daena) که در فارسی دین و به معنی آیین و کیش و در اوستا به وجدان تعبیر شده است. دئنا در نهاد هر کس نیرویی است مینوی و ممیزه که راهنمای آدمی در طول حیات و مشوق عمل به کار نیک و نمایاننده راه بد با تمام زشتی‌ها و نهی‌کننده از آن است.
- ۳- بئوز (Baoza) به معنی بوی، نیروی دراکه‌ای است که همواره بایستی از قوای ممیزه و هوش آدمی سرپرستی کند مبادا نیروی ممیزه به خطا رود یا هوش به راه ناصوابی افتد.
- ۴- اوروان یا ثوروان (Uravan) چهارمین نیروی باطنی است و همچنان که نیروی درک و فهم برخی نیروها را سرپرستی می‌کند سرپرستی نهایی نیروهای دیگر به عهده اوروان یا روان است. روان واپسین نیرویی است که میان راه نیک و بد حق‌گزینش دارد.
- ۵- فروشی (Farvashi) پنجمین نیرو از قوای پنج‌گانه باطنی که در پهلوی فروهر (Farvahr) از ریشه فرورتی (Farvarti) است و معنی کلمه پناه دادن یا حمایت کردن است. فروهرها فرشتگان نگهبان نیکان و راست روان دانسته شده‌اند و همزادان آن، جهانی آدمیان هستند که پیش از آفرینش مادی مردمان در جهان دیگر به وجود می‌آیند و پس از مرگ مردمان نیز همچنان در آن جهان جاودانه زندگی می‌کنند. آنان از کیفرها و مجازات‌هایی که روان‌ها متحمل می‌شود به دورند. (آموزگار ۱۳۸۱: ۲۶)

آیین زرتشت نخستین دین در جهان است که به بقای روح سخن به میان آورده است.

(باب‌الحوائجی ۱۳۴۳: ۱۱۵)

1. Gāt.

2. Āves'tā.

3. Vīden'gern.

در آیین زرتشت به خلقت جهان پیش از آفرینش شکل و هیولا اشاره شده و این امر نشان دهنده اهمیت روح در این دین آسمانی است. (باب الحوائجی ۱۳۴۳: ۱۰۱) در ابتدای آفرینش جهان، توسط خدای مهربان دو روح پیدا شده و هر یک از این دو روح، دست به انتخاب مهمی زده‌اند یکی نیکی و دیگری بدی را برگزیده و روح نیک و بد هر یک برای خود قهرمانان و دستیاران خاصی آفریده‌اند و در نهایت نیکی و بدی را ایجاد کرده‌اند. (باب الحوائجی ۱۳۴۳: ۱۱۱) در زمان ساسانیان، اعتقاد صریح به ثنویت و وجود دو روح مستقل از هم، جز اصول عقاید زرتشتی که مذهب رسمی کشور بوده‌است. (کای بار ۱۳۴۸: ۱۱۴)

### روح در آیین یهود

اعتقاد به روح و جاودانی بودن آن نزد اسرائیلیان وجود نداشته است در آغاز تنها از روح خدا سخن گفته می‌شد که بر انسان مسلط گشته، او را رهبری می‌کرد به اعتقاد آنان روح خدا در پیامبران، قضات، مردان خدا و برخی از شاهان داخل می‌شد و گاهی آنان را آماده پیشگویی می‌کرد روح خدا در میان اسرائیلیان به سر می‌برد تا آن‌ها نهراسند. (آشتیانی ۱۳۶۴: ۲۵۴)

یهود اولیه در مورد انسان و روح او به طور مبهم سخن می‌گوید. روح چون دودی از بدن خارج می‌شده است و این سایه‌ای از بدن جدا شده به دنیای زیرین می‌رفت و به همین دلیل آنجا را جهان سایه‌ها می‌نامیدند. اما پس از تبعید و در تماس با فرهنگ بابلی به خصوص ایرانی به تدریج اعتقاد به روح انسان و بقای آن در یهودیان تقویت می‌شود. (همان: ۲۵۵)

تکامل مبانی عاقبت شناسی قوم یهود و اعتقاد به جاودانگی روح، علاوه بر بهره‌مندی آنان از فرهنگ ایرانیان و دخالت رنج و ناامیدی و ستم کشی این قوم، زمانی بود که نویسندگان یهودی اسکندری، باورهای یونانیان را راجع به نفس اقتباس کردند.

از سوی دیگر دانشمندان یهود انسان را دارای ماهیتی دوگانه دانسته‌اند روح انسان از آسمان و بدنش از زمین است و ایشان بدن را غلاف روح دانسته و رابطه روح با بدن را همانند رابطه خدا با جهان ذکر کرده‌اند.

### وجوه معانی روح در قرآن

واژه روح و مشتقات آن در قرآن کریم ۲۱ بار ذکر شده است که در کاربردهای گوناگون، ناظر به معانی یکسانی نیستند با توجه به ظاهر و سیاق آن آیات کاربرد این واژه‌ها در معانی گوناگون روشن می‌شود.

۱- موجودی مستقل در ردیف فرشتگان: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»

(قدر/۴) (بحرانی ۱۴۱۶: ۴۷۱/۲)

۲- جبرئیل: با توجه به آیه «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبًا» (بقره/۹۷) منظور از روح الامین و روح القدس در آیاتی که به نزول قرآن اشاره دارد جبرئیل است مانند آیه «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (شعراء/۱۹۳) (حقی بروسی ۱۲۵۵: ۳۰۶/۶)

۳- حیات افاضه شده به انسان: در پاره‌ای از آیات قرآن، روح به مرتبه‌ای از وجود اطلاق شده که در پیکر انسان جریان یافته است مانند «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر/۲۹) (بحرانی ۱۴۱۶: ۳۴۴/۳)

۴- تاییدکننده پیامبران و مومنان: برخی آیات قرآن، از روح برای تایید قلوب پیامبران و اولیای الهی استفاده شده است مانند «وَآيَاتُنَا بِرُوحِ الْقُدُسِ» (بقره/۸۷ و ۲۵۳) (طباطبایی ۱۴۱۷: ۲۰۷/۱۲)

۵- وحی: در آیاتی نیز روح به معنای وحی به انبیا به کار رفته است. «يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (غافر/۱۵) (طوسی ۱۳۷۶: ۶۲/۹)

۶- اشاره به حضرت عیسی: «إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ» (نساء/۱۷۱) (طبرسی ۱۳۷۲: ۲۲۳/۳)

۷- فرستاده خداوند نزد حضرت مریم: قرآن از رسول فرستاده شده به سوی حضرت مریم با عنوان روح یاد شده است. «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا / قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا / قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ ...» (مریم/ ۱۹-۱۷) و خداوند با تعبیر «لاهب» اشاره می‌نماید که این روح صرفاً بشارت دهنده نبوده و در پدید آمدن حضرت عیسی دخالت داشته است. (طباطبایی ۱۴۱۷: ۲۸۰/۳) البته اغلب مفسران این روح را نیز همان جبرئیل دانسته‌اند. (همان: ۳۵/۱۴) اما در آیه «وَ يَسْتَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (اسراء/۸۵) نه روح مطلق و مفید است و نه مصداق خاصی را در نظر دارد بلکه سوال از حقیقت روح است که این حقیقت در همه مصادیق وجود دارد. (همان: ۱۹۵)

### روح در آثار عرفانی

سه اثر مهم در تاریخ عرفان اسلامی هستند که از جمله مهم‌ترین آثار در زمینه معرفت روح به شمار می‌آیند.

اللمع فی التصوف: که به زبان عربی از ابی نصر سراج طوسی (۳۷۸ هـ.ق) است این کتاب نظر تمامی دانشمندان علوم اسلامی را تا قرن چهارم در زمینه موضوع روح مردود دانسته است. و در کتاب خود بحث در کیفیت روح را جایز ندانسته و شاهد او از قرآن آیه ۸۵ سوره مبارکه اسراء است که «وَ يَسْتَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» به اعتقاد او میان روح و خدا

سبب و نسبتی نیست و روح تنها ملک خدا است که مطیع او و در قبضه قدرت اوست. شرح التعرف لمذهب التصوف: این اثر که ابوالبراهیم بن المستملی بخاری نوشته است. (۴۲۹ هـ.ق). ترجمه کتاب التعرف لمذهب التصوف تألیف ابوبکر بخاری کلاباذی است و از امهات کتب صوفیه محسوب می‌شود و اعتقاد دارد که پروردگار متعال چون نام روح را ذکر کرد از حقیقت وی خبر نداد و او نظر اهل اسلام و اهل حقیقت را در مورد روح می‌پذیرد که روح، نورانی، سماوی، عرشی، علوی، ربانی است و صفت وی همه طیب است.

کشف المحجوب: سومین اثر مهم عرفانی است که علی بن عثمان بن الهجویری (۶۵: ۴۶۵) آن را نگاشته است. که در کتاب خود می‌فرماید روح حقیقتی است که تا به کالبد پیوسته، خداوند در آن کالبد، حیات می‌آفریند و ودیعتی که هنگام خواب جدا می‌شود. و آدمی بر حیات باقی می‌ماند. (هجویری ۱۳۷۳: ۳۳۶) و نکته آخر در باب روح در این کتاب، ذکر مقامات دهگانه ارواح و جان‌ها در بیان ابوبکر واسطی است که عبارتند از: ارواح محلفان، مردان پارسا، مریدان، اهل سنت، اهل صفا، شهیدان، مشتاقان، عارفان، دوستان و در آخر درویشان که هر یک واجد صفات و ویژگی‌هایی است. (همان: ۳۳۹)

عین القضاة همدانی: در کتاب التمهیدات ارزش و منزلت شب قدر به دلیل حضور و نزول روح در این شب خاص می‌داند و می‌گوید: شب قدر که از ارزشی معادل هزار شب برخوردار است منزلت و ارزش خود را به واسطه روح به دست آورده است. او در ادامه برای مستدل کردن کلام خود به آیه شریفه «تنزل الملائكة والروح» اشاره می‌کند و به دنبال آن کلام خود را این گونه ادامه می‌دهد: و هر جا که پرتوی از انوار جمال روح برسد آن چیز را قدر دهد و آن چیز قدر یابد. (عین القضاة همدانی ۱۳۸۶: ۱۵۰) او در ادامه همین مبحث با تکیه بر آیه شریف «و نفخت فيه من روحي» کرامت و فضیلت آدم و آدم صفتان را نیز به دلیل وجود روح می‌داند. سنایی غزنوی در اشعار خود به شگفتی و عظمت روح انسان اشاره می‌کند و کرامت و برتری مقام و منزلت او را نتیجه برخورداری وجودش از خلعت روح و جان می‌داند.

روح انسان عجایبست عظیم      آدمی از روح یافت این تعظیم

(سنایی ۱۳۷۰: ۳۸۲)

عطار نیشابوری نیز بر این باور است که اگر آدمی به عالم نامحدود و بی‌انتهای جان راه یابد دستیابی به درگاه معشوق ازلی برای او امکان پذیر خواهد شد به عبارت دیگر راهیابی به عالم روح و جان به قربت به بارگاه حق تعالی می‌انجامد.



## معرفت شناسی روح براساس منارات السائرين و آثار شاخص عرفانی / ۱۷۷

هر که او در عالم جان ره برد از ره جان سوی جانان ره برد  
ره به جان بردن به جانان بردنست لیک اول ره سوی جان بردنست  
(عطار ۱۳۶۸: ۲۵۸)

مولانا در دفتر ششم مثنوی از عظمت و وجود نامحدود و بی انتهای روح آدمی (به ویژه روح  
واصلان و کاملان) سخن می گوید. او روح را چون آفتابی پرفروغ می داند که در ذره قالب وجود  
آدمی نهان شده است و اگر وجود محدود و متناهی این ذره شکافته شود و آفتاب روح مجال ظهور  
و بروز پیدا کند تمامی عالم هستی و افلاک در مقابل عظمت آن ناچیز می نماید و در هم می شکند.  
آفتابی در یکی ذره نهان ناگهان آن ذره بگشاید دهان  
ذره ذره برگردد افلاک و زمین پیش آن خورشید چون جست از کمین  
(مولوی ۱۳۷۲: ۵۹)

منارات السائرين: شیخ دایه با سخن قرآن و بعد پیامبر (ص) در باب دهم از کتاب خود به بحث معرفت  
روح و مقامات آن می پردازد. که خدای متعال می فرماید: «و درباره روح از تو می پرسند، بگو: روح از  
[سنخ] فرمان پروردگار من است، و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.» (اسراء/۸۵) رسول (ص)  
فرمود: «نخستین چیزی که خدا آفرید روح من بود.» (ابن حجر ۱۴۲۳: ۴۰۷/۳)

اکثر عرفا و عالمان پیشین را در این رابطه دچار وهم و خیال می داند، زیرا او اعتقاد ندارد که  
رسول خدا به علم روح عالم نباشد و می فرماید: مقام رسول بسی بزرگتر از آن است که عالم به علم  
روح نباشد! رسولی که عالم به خدا بود چگونه عالم به روح نباشد. (افتخارزاده ۱۳۹۰: ۲۵۷)

شیخ نجم الدین رازی روح را لطیفه ای ربانی می داند و به خاطر ویژگی اش که مضاف به  
حضرت ربانی است از آیه ۲۹ سوره حجر قرآن شاهد می آورد که خداوند فرمود: «از روح خود در  
آن دمیدم.» و در آیه ۸۵ سوره اسراء می فرماید: «بگو: روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است.»  
یعنی از قبیل عالم امر است نه از قبیل عالم خلق. و خداوند روح، عقل و قلم را که برای بقا آفرید از  
این رو عالم امر نامید که در آن از هیچ چیز و بی واسطه چیزی به امر کن ایجاد فرمود وقتی خدا  
می فرماید: «بگو: روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است.» تنها برای تعریف معنای آنست که روح  
از عالم امر و بقاست نه از عالم خلق و فنا.

نجم الدین رازی همه ارواح را از روح رسول (ص) می داند. و هیچ چیزی جز روح حضرت  
رسول (ص) با خدا نبود و چیزی نبود که روح رسول (ص) به آن منسوب یا اضافه شود جز خداوند!  
پس روح رسول (ص) نخستین نوبری بود که خدا با ایجادش آن را از درخت وجود به بار آورد و

نخستین چیزی بود که قدرت به آن تعلق گرفت و آن روح را به اضافه نمودن به خویش، مشرّف ساخت و آن را روحی = روح من نام نهاد. (همان: ۲۶۳)

### مقامات روح در کتاب منارات السائرین

نجم الدین رازی سیزده مقام را برای روح برمی‌شمارد:

۱- اراده: اراده صفتی از صفات خدای متعال است صفت قدیمی ازلی ابدی قائم به ذات باری تعالی! چون خداوند رُوح را آفرید آن را قابلیت بخشید تا صفات حق را به خلافت از او منعکس کند! پس هر که نفس‌اش بر روح‌اش غالب شود، اراده‌اش به دنیا و دُنویات بُود و هر که روح‌اش بر نفس‌اش غالب آید، اراده‌اشبه آخرت و اُخرویات بُود! (همان: ۲۶۸) که خدای متعال فرمود: «برخی از شما دنیا را و برخی از شما آخرت را می‌خواهد.» (آل عمران، ۱۵۲) و اراده حقیقی را از آن کسی می‌داند که تنها خشنودی خدا را خواهد.

۲- استقامت: که از نشانه‌های آن ثبات بر جاده شریعت است. خدای متعال می‌فرماید: «کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس ایستادگی کردند» (فصلت، ۳۰) اگر روح به ایمان و روح خداوندی موید باشد بر استقامت‌اش بماند و قلب به نور ایمان نورانی شود و به آن مستقیم باشد (همان: ۲۷۰) که خدای متعال می‌فرماید: «در دل این‌هاست که [خدا] ایمان را نوشته و آن‌ها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است.» (مجادله/ ۲۲)

۳- حیاء: حیا را از نتایج حضور قلب و قرب و مشاهده می‌داند. اشاره به آیه قرآن («مگر ندانسته که خدا می‌بیند؟» (علق/ ۱۴)) و یا سخن رسول (ص) که حیاء از ایمان است (بخاری ۱۴۱۰: ۲۳۲)، دلیل خود را ثابت می‌کند.

۴- حریت: رهایی از یوغ بردگی ماده و معنا می‌داند. که خدای متعال می‌فرماید: «و[لی] نخواست از گردنه [عاقبت‌نگری] بالا رود! و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست؟ بنده‌ای را آزادکردن.» (بلد/ ۱۳-۱۱) اشاره به این دارد که بنده برای رهایی از بردگی، قلّه هستی‌ها را بپیماید تا از یوغ بردگی هستی‌ها برهد و این مقام ابدیت مطلق بُود که هیچ یک از انبیا و رسولان نتوانسته‌اند به این مقام دست یابند جز پیامبر اسلام محمد فرستاده خدا (ص) و دلیل بر آن این آیت ربانی بود که «منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصی - که پیرامون آن را برکت داده‌ایم - سیر داد.» (اسراء/ ۱) خدای متعال، رسول (ص) را عبد مطلق نامید و عبد را چون اسم علم برای آن حضرت قرار داد و به جز رسول (ص) دیگر انبیا را عبد مقید نامید. (افتخارزاده ۱۳۹۰: ۲۷۶)

۵- فتوت: که شرط آن فقط ایمان تحقیقی است نه تقلیدی و از معانی فتوت، ایشار، حمایت و

پشتیبانی با خوش رویی، یاری از مظلوم، دوری از غیبت و بهتان و پرهیز از هم‌نشینی با نوجوانان و بانوان ذکر کرده‌اند.

۶- محبت: محبت خدا نسبت به بنده و بالعکس است. حضرت رسول فرمودند: «هر که لقای خدای را خوش بدارد، خدای لقای را خوش همی‌دارد، و هر که لقای خدای را ناخوش بدارد خدای لقای را ناخوش دارد.» (مسلم ۱۳۲۹: ۲۶۸۳)

و نجم الدین دایه استناد به آیه ۵۴ سوره مائده می‌کند که خدای متعال می‌فرماید: «به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند.» محبت از لوازم وجود انسان بود زیرا قلوب بر حبّ کسی سرشته شده که برایش بهترین و برترین بود. اما جمال که محبوب حق تعالی بود به متابعت رسول (ص) حاصل آید که فرمود: «بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید.» (آل عمران / ۳۱) یعنی اگر او را به محبت سرشتی دوست می‌دارید مرا پیروی کنید با توجه مطلق به خدا و عدم توجه به ماسوای خدا تا خدای متعال، در آینه قلوبتان تجلی کند تا جمال یابید. (افتخارزاده ۱۳۹۰: ۲۸۱)

۷- مراقبت: برترین مقامات روح بود که هیچ‌کس به این مقام دست نیابد مگر پس از فراغت از محاسبه نفس و گذر از مقامات قلبی! لیک مراقبت در همه مقامات به کار آید و آن را در هر مقامی بهره‌ای از خیر بود! (افتخارزاده ۱۳۹۰: ۲۸۷)

۸- عبودیت: روح نخستین بنده‌ای است که باید خالصانه خدای را عبادت کند و نجم الدین اعتقاد دارد نخستین کسی که قدرت به آن تعلق گرفت روح محمد(ص) بود از این رو خدا او را به نام عبودیت مطلق ویژه ساخت.

۹- فقر: خدای متعال در سوره بقره آیه ۲۷۳ می‌فرماید: [این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندی است که در راه خدا فرومانده‌اند، و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. و فقر از گرامی‌ترین مقامات روح است.

۱۰- تصوف: نجم دایه به سوره فاطر آیه ۳۲ استناد می‌کند که خدای متعال می‌فرماید: «سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم، به میراث دادیم؛ پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو، و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند.» تصوف بر سه اصل استوار است: الف) خروج از دنیا. ب) عروج به برترین مرتبه عقبا. ج) وُلُوج در تخلّق به اخلاق الله.

پس صوفی اسم جامعی بود برای کسی که حق هر مقامی را ادا کند و از هر حالی متعالی او را بهره‌ای باشد. (همان: ۲۹۷)

۱۱- ادب: روح به عقل و ادب موصوف است و از ادب روح این بود که فرمان بردار اوامر و خویشتن دار از نواهی حق است. (همان: ۲۹۸)

۱۲- مصاحبت: که مصاحبت روح با خدا شریف‌ترین مقام روح است. زیرا که غیر از خدا کسی نباشد که روح با آن مصاحبت کند. (همان: ۳۰۲) روح دو هزار سال پیش از اجساد آفریده شد و در این مدت مصاحب خدای متعال بود و شرافت مصاحبت را به ارث برد و همین شرافت او را از دیگر آفریدگان ممتاز می‌کند و همین شرافت بود که روح، مقام و مرتبتی ویژه یافت و آن اضافه شدن به حضرت دوست بود.

۱۳- سماع: روح با شنیدن صدای حق سعادت‌مند می‌شود. و سماع، نهفته‌های باطن و پوشیده‌های قلوب را آشکار می‌سازد و گوهرنهای را نمایان می‌کند. اما نجم دایه سماع را بر اهل عرفان واجب می‌داند.

#### مقایسه و تطبیق

۱. منارات السائرین نجم الدین رازی بر خلاف دین زرتشت و یهود که روح را دارای بخش‌ها و نیروهای باطنی می‌دانستند او روح را تنها فرو آمده از عالم پروردگار و متعلق به آن عالم می‌داند که کیفیت آن به تبعیت از آنچه در قرآن یاد شده «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (اسراء/۸۵) بر بندگان آشکار نیست به جز حضرت رسول(ص).

۲. زرتشتیان و یهودیان اعتقاد داشتند روح پیش از آفرینش شکل و هیولا آفریده شده است. و این ارواح در آسمان هفتم جای دارند تا برای ورود به بدن انسان نوبتشان فرا رسد. و در منارات السائرین نیز به خلقت جان‌ها پیش از خلقت اجساد اشاره رفته است حتی در شرح تعرف نیز آمده است که خدای تعالی هر کالبد انسانی که بیافرید جان او را پیش از وی آفرید و آن‌جا را بدان کالبد مخصوص به او فرو آورد.

۳. اشاره به ماهیت دوگانه انسان از اساسی‌ترین مبانی اعتقادی دو دین زرتشتی و یهودی است که با نظر منارات السائرین منطبق است. ماهیتی مرکب از روحی که پرتو مقدسی از انوار الهی جزء فنا ناپذیر و نیروی باطنی انسان و دارای ماهیتی مافوق طبیعی است و جسم است که به عنوان جزئی فناپذیر همراه روح و غلاف روح برشمرده شده است و مادام که روح به کالبد پیوسته خدا در آن کالبد حیات می‌آفریند.

### نتیجه گیری:

پرسش ابتدایی و ساده بشر درباره معرفت روح و انسان به کمک دانش از مرز باورهای عامیانه و اندیشه‌های اسطوره‌ای فراتر رفته و به حیطة دین، فلسفه، عرفان راه یافته و باعث ایجاد پرسش‌های جدی و عمیق‌تری از موضوع روح شده است. در این میان روح انسان به عنوان هدف غایی آفرینش خدا نقطه مشترک مطالعات دینی و فلسفی و عرفانی قرار گرفته است. هر چند که در این جستار به ذکر مشابهات و مفارقات تعالیم ادیان و گفتار عارفان راجع به روح پرداخته شده است اما باید گفت که از این مشابهات نمی‌توان چنین اثبات کرد که هر دین از ادیان قبل از خود بهره گرفته و تعالیم مذهبی ادیان نتیجه وام‌گیری آن‌ها از یکدیگر است زیرا که این شباهت‌ها نه به علت تأثیرپذیری ارادی پیامبری از پیامبران گذشته بلکه به سبب وحدت مبدأ وحی در ادیان الهی بوده است. طبیعی است که هر دین بعدی کامل‌تر از ادیان گذشته است و این تعالیم کمال یافته از طرف مبدأ وحی به سبب تفاوت فرهنگ و خصوصیات مردم هر عصر و به اقتضای نیاز آنان فرو فرستاده شده است. در نتیجه مطالعه و کاوش در تأثیرپذیری منارات السائرين از متون کهن دینی و عرفانی به یافتن اشتراکات و شباهت‌ها انجامید و در مجموع باید به این نکته بسنده کنیم که اثر او تأثیرش از قرآن و احادیث بیش‌تر بوده است و از آن‌ها الهام گرفته است.

## منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم. ۱۳۷۸. ترجمه محمدمهدی فولادوند. ج ۱. قم: دارالقرآن الکریم.
- ۲- آشتیانی، جلال الدین. ۱۳۶۴. تحقیقی در دین یهود. ج ۱. تهران: اتحاد.
- ۳- آموزگار، ژاله. ۱۳۸۱. «گزارشی ساده از گاه شماری در ایران باستان»، ماهنامه بخارا، س ۴، ش ۶، صص ۲۰-۳۷.
- ۴- باب الحوائجی، نصراله. ۱۳۴۳. روح در قلمرو دین و فلسفه و ادبیات. ج ۱. تهران: گنجینه.
- ۵- بحرانی، سیدهاشم. ۱۴۱۶. البرهان فی التفسیر القرآن. ج ۱. چ ۴. تهران: بنیاد بعثت.
- ۶- بخاری، محمدبن اسماعیل. ۱۴۱۰. صحیح البخاری. ج ۲. قاهره: الاعلی للثئون الاسلامیه.
- ۷- حجر العسقلانی، احمدبن علی. ۱۴۲۳. لسان المیزان. ج ۳. تهران: الاسلامیه.
- ۸- حقی بروسی، اسماعیل. ۱۲۵۵. تفسیر روح البیان. ج ۲. بیروت: دارالفکر.
- ۹- رازی، نجم الدین. ۱۳۹۰. منارات السائرين و مقامات الطائرين. ترجمه محمودرضا افتخارزاده. ج ۱. تهران: جامی.
- ۱۰- سنائی غزنوی، مجدود بن آدم. ۱۳۹۷. حدیقه الحقیقه، تصحیح محمدجعفر یاحقی، سیدمهدی زرقانی. ج ۱. چ ۱. تهران: سخن.
- ۱۱- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۴۱۷. المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۴. چ ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۲- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به کوشش محمدجواد بلاغی. ج ۳. چ ۲. تهران: ناصرخسرو.
- ۱۳- طوسی، محمدبن حسن. ۱۳۷۶. التبیان فی التفسیر القرآن، به کوشش احمد قصیر عاملی. ج ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۴- عین القضاة همدانی، عبدالله بن محمد. ۱۳۹۷. تمهیدات عین القضاة همدانی به اهتمام زهرا عسلی. چ ۱. تهران: لوح فکر.
- ۱۵- فرید وجدی، محمد. ۱۹۷۱. دایره المعارف القرآن. ج ۱. بیروت: دارالمعرفه.
- ۱۶- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج. ۱۳۲۹. صحیح مسلم. چ ۱. مصر: دارالطباعه العامره.
- ۱۷- کایبار، مری بویس. ۱۳۴۸. دیات زرتشتی، ترجمه فریدون وهمن. چ ۱. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۸- لواسانی، محمدرضا. ۱۳۹۷. «نسبت ایمان و عقل»، مجله فلسفه و دین. ۱۳۹۷. ش ۲، ص ۴۰۲.
- ۱۹- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار. ج ۵۴. چ ۲. تهران: اسلامیه.
- ۲۰- موحدی، محمدرضا. ۱۳۸۰. «بهره‌هایی از منارات السائرين - شیخ نجم‌الدین رازی»، نشر دانش. ۱۳۸۰، ش ۱۰۰، ص ۲۰.
- ۲۱- مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد. ۱۳۹۷. دفتر ششم مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد باخی براساس نسخه رینولد نیکلسون، گردآورنده احمد ایمان زاده. چ ۱. تهران: کلک فرزانه.
- ۲۲- نیشابوری، عطار. ۱۳۹۷. مصیبت نامه، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. چ ۸. تهران: سخن.

- ۲۳- ویدن گرن، گنو. ۱۳۷۷. دین های ایران، ترجمه منوچهر فرهنگ. چ ۱. تهران: آگاهان ایده.
- ۲۴- هجویری، علی بن عثمان بن علی الجلابی. ۱۳۷۶. کشف المحجوب، تصحیح ژوکوفسکی مقدمه قاسم انصاری. چ ۵. تهران: طهوری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**Received: 2018/11/5**

**Accepted: 2019/4/30**

## **Epistemology of Soul based on Manaratussaerin and Outstanding Mystical Works**

*Noushin Akhavan Hezaveh<sup>1</sup>, Mahmoud Tavoosi<sup>2</sup>, Ali Ein Alilou<sup>3</sup>*

### **Abstract**

Manaratussaerin by Najmuddin Abu Bakr Abdullah bin Muhammad Shahar-ibn Anushvaran Razi, known as Najm Dahayeh. This book is written in the Thai language in the seventh century in a Fatihah and ten Bab and an end to which each chapter has several seasons. The author of Shalley Dukahi has translated it in Farsi in the ninth century, so far no research has been done in this field. The writer has been commenting on the Qur'an and the hadiths of the Prophet and the earlier mystical books in writing his mystical work. One of the most important materials of this book is the knowledge of the soul and its officials that the Prophet Sheikh, a mature, well-known, and highly scientific characterizing Niko from the essence of the soul, which is a mixture of mysticism and verses and the traditions of the Shari'a. This essay deals with librarians examining the knowledge of the soul in divine religions and some mystical books before Najm, and then shows how the author has influenced the verses of the Qur'an, and, on the other hand, there are many similarities in the beliefs of religions related to the spirit. This essay shows the relationship of religions with each other and can be understood as one of the sources of religious teachings, which is the revelation of the Lord.

**Keywords:** *Najm Razi, ManaratoSaerin, Soul, Mystical Texts.*

---

<sup>1</sup>. PhD Student, Persian Language and Literature Dept., Islamic Azad University, Rudehen Branch, Rudehen, Iran.

<sup>2</sup>. Professor, Persian Language and Literature Dept., Islamic Azad University, Rudehen Branch, Rudehen, Iran, corresponding author.

<sup>3</sup>. Assistant Professor, Persian Language and Literature Dept., Islamic Azad University, Rudehen Branch, Rudehen, Iran.